

اعتماد کردم و نازنین را پذیرفتم

فارغ التحصیل رشته بازیگری تئاتر که 10 سال است در این زمینه فعالیت می‌کند و پای ثابت گروه تئاتر «پیوند» به سرپرستی منیژه محامدی است.



جام جم آنلاین: فارغ التحصیل رشته بازیگری تئاتر که 10 سال است در این زمینه فعالیت می‌کند و پای ثابت گروه تئاتر «پیوند» به سرپرستی منیژه محامدی است.

برای او دغدغه تئاتر بیشتر از تلویزیون یا سینماست. از کارهایش می‌توان به تئاترهای چشم‌اندازی از پل، تلف شده، دوازده و سریال‌های مامور بدرقه، زیرزمین و همین‌طور فیلم‌های اقلیما و بعد از ظهر سگی اشاره کرد.

رهنما در فیلم اقلیما ساخته محمد مهدی عسگریور که جمعه گذشته از شبکه 4 به نمایش درآمد، نقشی کاملاً منفی داشت.

همزمانی پخش سریال ساختمان پزشکان و فیلم اقلیما این امکان را برای رهنما به وجود آورد که او بتواند توانایی‌های خود را در ایفای نقش‌های مختلف به نمایش بگذارد.

فرناز رهنما برای اولین بار است که در یک سریال طنز شبانه بازی کرده است و برای همین در ابتدا دچار مشکلاتی شده که خودش در این مورد و در این مصاحبه بیشتر برایشان گفته است. در یک روز گرم و آفتابی مهمان خانه‌اش شدیم تا بیشتر او را بشناسیم و البته نازنین ساختمان پزشکان را.

به عنوان یک بازیگر تئاتر، چه شد که به تلویزیون آمدید؟

موضوع دستمزد و بیشتر دیده شدن که تلویزیون این امکان را به من می‌دهد. کسی که اینها را تکذیب کند خیلی صادقانه صحبت نمی‌کند. من از سال 80 دارم کار می‌کنم، ولی به خاطر این که همیشه در تئاتر بوده‌ام و کار سینما و تلویزیون را گزیده انتخاب کرده‌ام کمتر دیده شده‌ام. تا به حال بارها برایم پیش آمده که بعضی دفاتر سینمایی که به کار دعوت می‌کنند عوامل‌شان مرا می‌شناسند، ولی کارگردان نمی‌شناسد! در صورتی که تلویزیون خیلی بیشتر از تئاتر این کمک را به بازیگر می‌کند که دیگر نیازی به معرفی شدن پیدا نکنید. از نظر مالی هم من اگر در تئاتر تامین می‌شدم هیچ وقت رهایش نمی‌کردم، چون تئاتر آرامشی به آدم می‌دهد و همکاری‌ای بین بچه‌ها وجود دارد که اصولاً در کار تصویر کمتر است.

از ورودتان به ساختمان پزشکان بگویید؟

این اولین باری است که در کار تلویزیونی با این حجم کار می‌کنم.

کارهای قبلی‌ام نهایتاً سریال‌های شبانه ماه رمضان بودند. تنها چیزی که می‌توانم بگویم اعتماد صد درصد به آقایان قاسمخانی و صحت بود و همین‌طور کارنامه کاری آقای چگینی به عنوان تهیه‌کننده و خودم را به این کار سپردم.

شخصیت و نقش نازنین را چطور دیدید؟

نازنین دختری است که سابقه بیماری روانی دارد، ولی در متن تصمیم اصلی بر این بود که نشان بدهیم بیماری روانی به مفهوم دیوانه نیست و بیمار روانی کسی است که مشکل روانی دارد و بعد هم به این نتیجه رسیدم که یک بیمار روانی می‌تواند حتی همسر یک روان‌شناس باشد. این موضوع علاوه بر ایجاد موقعیت‌های طنز می‌تواند در تحلیل شخصیت‌های جامعه به مردم کمک کند.

با توجه به این که ساختمان پزشکان اولین تجربه طنز تلویزیونی شما بود از این مساله هراس نداشتید که شاید نتوانید از عهده‌اش برآیید؟

چرا، اتفاقا این مساله برایم يك دغدغه شده بود. خیلی می‌ترسیدم و احساس می‌کردم که چقدر ناتوان هستم ولی در حین کار آقاي صحت و قاسمخانی به شکل درستی هدایتم کردند و پس از چند جلسه توانستم خودم را پیدا کنم و در نهایت به آرامش برسم.

چه چیزهایی را خودتان به این نقش اضافه کردید؟

حسن بزرگ این کار این بود که تمام دیالوگ‌ها و رفتارها از قبل در تمرین‌ها گفته و انجام می‌شد و هر چیزی که به ذهنم می‌رسید با کارگردان و نویسنده مطرح می‌کردم. مثل تیک نازنین یا وسواس بیش از اندازه او. بنابراین تمام نکاتی را که می‌خواستم به نقشم اضافه کنم با نویسنده و کارگردان مطرح می‌کردم. از طرفی چون تمام چیزها از نگارش متن گرفته تا کارگردانی درست و بجا بود کمتر در مورد نقش‌ها تغییری ایجاد می‌شد.

چرا نازنین نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر خانم‌های این سریال دارد؟

واقعا این طور نیست. ساختمان پزشکان تنها سریال طنزی است که قصه، بین زن‌ها و مردها به طور یکسان تقسیم شده است. مثلا کسی اگر نقش کمی دارد، اما دائم در مورد او صحبت می‌شود. البته چون این سریال 2 بخش دارد یعنی مطب و خانه، طبیعتا نازنین و خانم شیرزاد بیشتر به چشم می‌آیند.

چرا نازنین حس ترحم بیشتری را به سویی خود جذب می‌کند؟

این مساله تقصیر من نیست، بلکه زاییده ذهن نویسنده است. البته قضاوت در این مورد کمی زود است. چون در آینده می‌بینید که نازنین يك جاهایی از خودش دفاع می‌کند. او از همه می‌خورد به غیر از نیما و در نهایت هم می‌بینیم که همه به نوعی تمام ناراحتی‌هایشان را سر نیما خالی می‌کنند که البته این مساله عمده بود و از ابتدا در داستان وجود داشت. به هر حال نازنین بعدها کمی از سادگی و صبوری فاصله می‌گیرد.

فکر می‌کنم تمام شخصیت‌های این سریال به نوعی نماینده افراد جامعه هستند، شما این طور فکر نمی‌کنید؟

دقیقا همین طور است. هر کدام از ما به نوعی با یکی از مشکلات روحی دست و پنجه نرم می‌کنیم. از وسواس فکری گرفته تا خودخوری و کناره‌گیری از جمع. به هر حال شخصیت‌پردازی در این سریال بدرستی انجام پذیرفته است و تکلیف هرکسی مشخص است، حتی فیروز. چراکه گاهی او را عصبانی و گاهی او را رنجور و غصه‌دار می‌بینیم.

فکر می‌کنید شخصیت‌های این کار از چه زمانی به شکل واقعی خود رسیدند؟

فرناز رهنما: حسن بزرگ این کار این بود که تمام دیالوگ‌ها و رفتارها از قبل در تمرین‌ها گفته و انجام می‌شد و هر چیزی که به ذهنم می‌رسید با کارگردان و نویسنده مطرح می‌کردم. مثل تیک نازنین یا وسواس بیش از اندازه او
5 قسمت اول این کار بسیار دشوار بود. حتی می‌دانم که چندین بار متن این قسمت‌ها نوشته شده است. چون در این 4 قسمت، به نوعی معرفی شخصیت‌ها بود و از آن به بعد دیگر نقش‌ها جایگاه خودشان را پیدا کردند و دیالوگ‌ها هم روزانه به دستمان می‌رسید.

به نظرتان بزرگ‌ترین حسن این سریال چیست؟

این که سعی نداشته است به زور و با هر ترفندی مخاطب را بخنداند و تمام سعی‌مان این بود که در موقعیت‌های مختلف این اتفاق بیفتد. به هر حال ساختمان پزشکان برای مخاطبانش تعیین تکلیف نکرده است.

در مورد لباس‌هایی که می‌پوشیدید کمی توضیح دهید. فکر می‌کنم چندین لباس را روی هم می‌پوشیدید؟

بله، همین طور است. اما به لحاظ رنگ تازگی خاصی داشت. به هر حال سعی کردیم پوشش‌ها را بیشتر رعایت کنیم تا از آن طرف بتوانیم تنوع رنگ‌ها را بیشتر کنیم.

با بهاره رهنما نسبتی دارید؟

خير. ايشان اصالتا اراكي هستند و من اصفهاني. خيلي اتفاقي فاميلي هايمن با هم يكي است.

شخصيت نازنين از اولين سكانس تا آخرين سكانس چقدر فرق كرد؟

تقريبا 30 درصد، ولي به طور كلي چون همه چيز برنامه ريزي شده بود، شخصيت ها خيلي تغيير نكردند.

كدام وجه شخصيت نازنين با شما يكي است؟

شايد اگر من هم به جاي نازنين بودم چنين واكنش هايي را نشان مي دادم، اما در كل خيلي به هم شباهت نداريم. مثلا او شير و چاي دوست دارد و من نه. او خورش فسنجان شيرين دوست دارد و من ترش.

از زمان پخش اين سريال، چقدر پيشنهادهايان در زمينه كارهاي تصويري زياد شده است؟

خودتان بهتر مي دانيد كه در ايران وقتي نقشي جواب بدهد تا مدت ها به بازيگر همان نقش تكراري پيشنهاده مي شود. چون كارگردانان و تهيه كنندگان ما كمتر قدرت ريسك كردن دارند. اما من ترجيح مي دهم پس از اين كار، يك كار جدي انجام دهم وگرنه بازي در كار طنز خوب است البته به شرط آن كه همه چيز مطلوب و درست باشد.

معمولا خودتان با چه نوع قصه هايي راحت تر هستيد؟

من سوژه هاي جدي را خيلي دوست دارم و اصولا وقتي موسيقي، قصه يا يك فيلم خوب مي شنوم يا مي بينم، موهاي دستم سيخ مي شود. وقتي اين حس به من دست مي دهد يعني اين كه آن سوژه و كار خوب است.

فكر مي كنيد مخاطباتان كدام يك از نقش هاي شما را در تلويزيون بيشتر دوست داشته اند؟

افسانه در سريال مامور بدرقه. خيلي ها مرا به واسطه آن نقش به ياد مي آورند بخصوص با آن انگويهاي بدلي.

فكر مي كنيد چه فرق عمده اي بين بازيگران تئاتر و بازيگران تلويزيون وجود دارد؟

بازيگران تئاتر، تعلق خاطر زيادي به اين كار دارند و پس از مدتي غيبت از تئاتر، دلتنگ آن مي شوند. به شخصه احساس مي كنم در تئاتر سواد كاري ام بيشتر مي شود. نمي گويم كه كار تصوير اين درس را به آدم نمي دهد ولي درس هاي تئاتر خيلي ريشه اي تر از تلويزيون است.

اين كه مي گويند بازيگران تئاتر مقابل دوربين راحت بازي مي كنند، چقدر صحت دارد؟

به هر حال هر بازيگر تئاتري اي يك روز جلوي دوربين مي رود و بازي مقابل دوربين هرگز كار آساني نيست. اتفاقا بازيگران سينما اعتقاد دارند كه بازيگران تئاتري درست بازي مي كنند. اگر هم راحت هستند شايد به خاطر اندوخته هايي است كه در تئاتر كسب کرده اند.

تئاتر، سينما يا تلويزيون كداميك براي شما ارجحيت دارند؟

اصولا چون آدم مضطربي هستم ترجيح مي دهم فقط يك كار انجام دهم به جاي آن كه بخواهم با يك دست، چند هندوانه را بردارم. ضمن اين كه ترجيح مي دهم بتوانم خودم را در فضاي تئاتر حفظ كنم چون در آنجا آرامش زيادي دارم.

فضاي ساختمان پزشكان چطور بود؟ در واقع اين 8 ماه كار براي تان چگونه گذشت؟

بسيار خوب. آنقدر كه مي توانم بگويم پشت صحنه اين سريال بي نظير بود و همه افراد از آرامش خوبي برخوردار بودند. اين را هم مديون آقاي صحت هستيم چون كارگردان صبور و پرانرژي اي بودند. همان برخوردی كه با پيشكسوت ترين فرد گروه داشتند، با ديگران هم داشتند. البته شيريني طنز برادران قاسمخاني هم كه جاي خودش را دارد.

محبوبه رياستي

